

پیامد های امنیتی مداخله گرایی آمریکا در عراق برای ایران با تاکید بر کاربست روش دلفی

دکتر فرهاد قاسمی Fghasemi1@yahoo.com

استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه شیراز

دکتر عباس کشاورز شکری abbaskeshavarzi@yahoo.com

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد

چکیده

آینده، در درون خود، دچار عدم قطعیت است. پرسش اساسی آن است که چگونه می توان با شناور شدن در عدم قطعیت، در باره دشواری های موجود در یک جامعه، راه حل ارائه نمود. شاید یکی از بهترین راه ها برای کاهش زیان های ناشی از پیش بینی ناپذیری آن چه که در آینده وقوع می یابد، رجوع به متخصصان برای استخراج ایده های آنان در باره آینده باشد، زیرا این نکته پذیرفتنی است که تجربه، به انسان های ماهر و متخصص، کمک می کند تا با تکیه بر دانش / بینش همزمان، از نگرش های احساسی / غیرعقلانی، بری شوند. دلفی یک پیمایش از آرای متخصصان در دو یا چند دور است. از دور دوم به بعد، باز خوردهایی در باره نتایج دور قبلی به مشارکت کنندگان داده می شود. همان متخصصان، همان موضوعات را یک بار دیگر تحت تاثیر نظر سایر متخصصان ارزیابی می کنند تا به نوعی اجماع دست یافته شود. نگارندگان درصدد برآمده اند با در نظر گرفتن یک زمینه موضوعی (مطالعه سیاست خارجی ایران در مقابل مداخله آمریکا در عراق) نشان دهند چگونه می توان از روش "دلفی"، برای پیشنهاد کردن آن چه بهترین است، بهره گیری کرد.

واژه های کلیدی: امنیت ملی، سیاست خارجی ایران، مداخله گرایی آمریکا، عراق، روش دلفی.

مقدمه

ایران از جمله کشورهایی است که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، تا حدود زیادی تحت تاثیر ساختار سیستم جهانی می باشد به همین سبب از گذشته ای دور در معرض رقابت های قدرت های بزرگ قرار داشته و تهدیدات امنیتی متعددی را تجربه کرده است. کوچک شدن مداوم سرزمین آن یکی از شاخصه های چنین تهدیدی است. در دوران سیستم چند قطبی قبل از جنگ جهانی اول و دوم ایران یکی از موضوعات معاهدات قدرت های بزرگ چه به صورت دوجانبه با ایران یا چند جانبه با سایر قدرت های بزرگ بوده است و در اکثر موارد نیز معاهدات مذکور نه تنها رافع تهدیدات نبوده اند بلکه خود ایجاد کننده تهدیدات نوینی محسوب می شدند. در دوران سیستم دو قطبی نیز ایران از ناحیه ساختاری سیستم تحت فشارهای امنیتی قرار داشت و عملا به ایفای نقش نیابتی آمریکا در منطقه می پرداخت. صحنه داخلی ایران نیز تبدیل به حیطة نفوذ کامل یکی از قطب ها یعنی آمریکا شده بود. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل گیری سیستم هژمونیک به رهبری آمریکا، ایران نیز به مانند گذشته تحت سیطره سیستم هژمونیک و قواعد رفتاری آن از جمله سیکل های قدرت در چنین سیستمی قرار گرفت. در این دوره نظم منطقه ای از جمله نظم مناطق حساس و ژئوپلیتیکی به یکی از مهمترین دلمشغولی های هژمون تبدیل شده و الگوهای مداخله گرایی و پایگاه سازی که در حقیقت یکی از مهمترین قواعد چنین سیستمی است در منطقه و شبکه ژئوپلیتیکی ایران اتفاق افتاد و بنابراین تهدیدات امنیتی متعددی را متوجه این کشور کرد. از جمله مهمترین اتفاقات حمله هژمون یعنی آمریکا به عراق و حضور مستقیم و پایگاه سازی در این کشور می باشد که عمدتا در جهت ایجاد نظم منطقه ای مطلوب آن مورد استفاده قرار می گیرد. در این راستا یکی از کشورهایی که در معرض پیامد های امنیتی آن قرار داشته، یا خواهد داشت ایران است. چرا که از طرف هژمون به عنوان چالشگر منطقه ای در نظر گرفته شده است. براین پایه این پرسش اساسی مطرح می شود که حضور آمریکا در عراق چه نوع تهدیداتی را متوجه ایران می نماید و از سوی دیگر ایران برای مقابله با آن چه نوع راه کارهایی را در اختیار داشته و مورد استفاده قرار می دهد؟

پیشینه پژوهش

در باب حمله آمریکا به عراق، حضور در خاورمیانه و مباحث امنیتی مرتبط با آن آثار متعددی به رشته تحریر در آمده اند. بهادر امینیان (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان "آمریکا و طرح خاورمیانه

بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات" چنین می گوید که آمریکا برای تثبیت هژمونی خود و تکمیل فرآیند کنترل بر منابع، کنترل بر بازیگران و کنترل بر روندها و حوادث جهانی، نیاز به تغییرات جدی در شرایط، بازیگران و فرآیندهای منطقه خاور میانه دارد. برنامه آنها برای منطقه خاورمیانه تحت عنوان طرح خاور میانه بزرگ است. نویسنده در این مقاله سعی کرده موفقیت یا عدم موفقیت این طرح در منطقه را بررسی کند؛ اما مستقیماً به بحث در باره مداخله گرایی در عراق و سیاست خارجی ایران در این مورد نپرداخته است.

جمشید ثریا (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان "آمریکا، تروریسم و بنیادگرایی" به تاثیر عملیات تروریستی گروه های بنیادگرا بر بی اثر گذاشتن استراتژی ستیز با تروریسم و مهار کردن بنیادگرایی آمریکا پرداخته است. مجید بزرگمهری (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان "آمریکا و نظام امنیتی خلیج فارس پس از اشغال عراق" بر این عقیده است که نظام امنیتی جدید آمریکا بر سه متغیر تکیه دارد: برقراری مجدد یک نظام موازنه قوا میان قدرت های بومی، ترغیب اصلاحات در کشور های عربی منطقه و تشویق چند جانبه گرایی اروپایی برای جلوگیری از گسترش سلاح های اتمی در منطقه. در این مقاله به استراتژی جدید آمریکا در منطقه پرداخته شده است. علیرضا آیتی (تابستان ۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان "آینده عراق: طرح ژئوپلیتیک جدید منطقه ای و راهبرد های نوین آمریکا" ابتدا به مباحث نظری راهبرد های ایالات متحده در عراق و تاثیرات منطقه ای آن پرداخته است، و سپس طرح ژئوپلیتیک جدید آمریکا و روند شکل گیری ژئوپلیتیک جدید منطقه ای از مبداء عراق تشریح و در نهایت جایگاه و نقش ایران در محیط جدید و در تفکر استراتژیک کاخ سفید، تبیین و تحلیل شده است. امیر محمد حاجی یوسفی (زمستان ۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان "جایگاه عراق در طرح خاورمیانه بزرگ" این پرسش اصلی را مطرح می سازد که چه رابطه ای میان طرح خاور میانه بزرگ و حمله به عراق و اشغال این کشور وجود دارد. در این خلال سعی شده است جایگاه عراق در این طرح به عنوان مدلی برای گسترش دموکراسی آمریکایی در منطقه و همچنین پایگاهی برای به محاصره در آوردن ایران و سوریه تبیین گردد. عنایت الله یزدانی و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان "دگرگونیهای سیاسی عراق و روابط ایران و آمریکا" این پرسش اصلی را مطرح ساخته اند که تعامل ایران و آمریکا به عنوان مهم ترین بازیگران منطقه ای چه اثری بر گفتمان روابط ایران و آمریکا خواهد گذاشت و فرضیه اصلی نیز آن است که با وجود تفاوت در اصول و اهداف دراز مدت ایران و آمریکا، منافع این دو

کشور در عراق نزدیک است تا آنجا که می توان از وجود منافع مشترک در ترتیبات منطقه ای سخن به میان آورد. در این اثر تنها به یکی از فروض مقاله حاضر پرداخته شده است.

حسین توفیق ابراهیم و عبد الرضا همدانی (۱۳۸۱) در مقاله خود با عنوان "سیاست های آمریکا در قبال عراق پس از ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش" اختلاف های موجود در دولت آمریکا بر سر نحوه برخورد با عراق توضیح داده شده است. البته این مقاله کمی قبل از حمله آمریکا به عراق نوشته شده است. سید حسین سیف زاده در مقاله خود با عنوان "سیاست های خاور میانه ای آمریکا در مقابل چالش های ضد هژمونیک" به بررسی برنامه های ایالات متحده جهت مقابله با چالش های ضد هژمونیک پرداخته است. به نظر وی عمق و طیف سیاست های آمریکا برای خاور میانه و رهبران چالشگر آن تنها به عراق محدود نخواهد شد، به ویژه آنکه این کشور به دنبال آن است که نظام بین المللی سلسله مراتبی امروزی همچنان پایدار بماند، از این رو لازم است تا تمامی نیروهای بر هم زنده این وضعیت در خاور میانه تحت کنترل در آیند. به نظر نویسنده، ایران نیز چاره ای جز برگرفتن قالب های جدید ندارد. محمود سریع القلم (۱۳۸۱) در مقاله خود با عنوان "عراق جدید، خاورمیانه جدید: پیامد های نظری برای ایران" به دنبال توضیح پیامد های بلند مدت و کوتاه مدت و میان مدت سرنگونی رژیم عراق برای ایران است. نویسنده معتقد است که طی سال های بعد تقابل آمریکا- خاور میانه ادامه خواهد یافت و مهمترین چالش ایران، اختلاف فلسطین و اسرائیل خواهد بود به این ترتیب مطالب هرچند به موضوع آمریکا و عراق در آثار و متون موجود پرداخته شده است؛

مقاله حاضر بر اساس مبانی نظری و با تاکید بر روش دلفی سعی در تشخیص پیامد های امنیتی مداخله گرایی آمریکا بر امنیت ملی ایران و سیاست های استراتژیک این کشور در مقابله با چنین تهدیداتی دارد و در نهایت خواهان ارائه مدل تحلیلی سیاستگذاری امنیتی ایران بر اساس چنین رخدادی خواهد داشت، موضوعی که در متون پیش گفته مورد غفلت قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

اصولا براساس نظریه های چرخه ای در سیستم جهانی، چرخه قدرت در سیستم مهم ترین چرخه محسوب می شود که در آن تلاش واحد ها برای حفظ خود در آن و جلوگیری از تنزل جایگاه خود می باشد برای این منظور کشورهای هژمون، مدیریت نظم منطقه ای را در مناطق مختلف به عنوان یکی از مهم ترین سازوکارهای لازم، در دستور کار استراتژیک خود قرار

می دهند (رجوع شود به Harkavy, 1999, Hebron, and Patrick Jams 1997, Hebron and Michael Rudy 2007, Houwelling, and Jan G. Siccima 1991) در این ورهبری خود را بر سیستم جهانی تحمیل می نمایند (رجوع شود به: Thompson, 2006). در این راستا مداخله هژمون در تعارضات و ستیزش ها و به طور کلی در واحد های مختلف برای ایجاد یا بازگرداندن نظم مورد نظر بویژه در امور منطقه ای در قالب دیپلماسی بازدارنده مفهوم سازی می شود و در همین راستا مفهوم جنگ بازدارنده نیز نمایان خواهد شد (Kegley Jr. & Gregroy, 2003). در این راستا اصولاً دیپلماسی بازدارنده مستلزم اقدام جهت خنثی سازی موضوعاتی است که می توانند به ایجاد یک بحران بین المللی کمک نمایند.

به طور کلی دیپلماسی بازدارنده به عنوان ابزاری جهت تحقق اهداف پیش گفته، مستلزم توجه به دو جزء اساسی زیر است که عبارتند از:

۱- انزوا سازی به منظور خنثی سازی تعارضات محلی و منطقه ای برای جلوگیری از تبدیل آنها به برخورد بین قدرت های بزرگ و بین المللی شدن آنها، (دیپلماسی انزوا ساز)؛
۲- دیپلماسی مداخله گرایانه؛ در اینجا هدف اساسی فائق آمدن قدرت هژمون بر مقاومت متخاصمان محلی، منطقه ای در جهت رسیدن به اهداف خود می باشد. این توانایی بایستی در دو حوزه اساسی زیر تحقق یابد:

۱- حوزه موضوعات نظامی؛

۲- موضوعات سیاسی؛

در باب دیپلماسی بازدارنده برخی از نتایج حاصله از مطالعات تجربی صورت گرفته عبارتند از:
۱- از دیدگاه قدرت های بزرگ، دیپلماسی بازدارنده مبتنی بر مداخله گرایشی جمععی، تابعی از دیپلماسی انزواساز می باشد. زمانیکه روابط قدرت های بزرگ رو به وخامت نهاده باشد، مداخله به منظور محدود سازی چنین تنش هایی صورت می گیرد. با این وجود تنش های مذکور مانع نفوذ جمععی قدرت های بزرگ بر متخاصمان اصلی است؛

۲- سازش روش اولیه دیپلماسی بازدارنده مبتنی بر مداخله گرایشی است؛

۳- تنها زمانی دیپلماسی بازدارنده شکل مداخله گرایانه به خود می گیرد و از زور استفاده خواهد شد که قدرت یا قدرت های بزرگ دارای منافع حیاتی باشند؛

۴- اراده جدی قدرت بزرگ در استفاده از زور، نقش مهمی در موفقیت دیپلماسی مداخله گر

خواهد داشت؛

۵- در صورتی که یکی از متخصصان قوی تر از دیگری باشد و از طریق دیپلماسی سازشی نتوان آن را شکست داد، مقاومت وی سبب خنثی شدن دیپلماسی سازشی خواهد شد و کنسرت قدرت های بزرگ را به بسیج منابع و اعمال فشار به آن، جهت حل تعارضات محلی تشویق می نماید (Steiner, 2001 pp:173-200)

دومین شکل مداخلات مربوط به تعارضاتی است که بین هژمون و یا کنسرت قدرت های بزرگ و واحد هایی رخ می دهد که در منطقه و یا محل خاصی از سیستم قرار گرفته اند. به عبارتی هژمون مستقیماً به عنوان طرف اولیه تعارض محسوب می شود و معمولاً هژمون طرف های مقابل را به عنوان دولت های یاغی تصور می کند. در این حالت تجارب نوین بیانگر وجود جنگ های بازدارنده به عنوان رایج ترین روش مانع سازی است. در اینجا معمولاً از جنگ تعریف گسترده تری به عمل می آید و صرفاً محدود به کشتار و نابودی در صحنه عملیات تعریف نمی شود. علاوه بر تعریف متعارف نظامی، جنگ بازدارنده در بر گیرنده اقدام در جهت تغییر رهبری یا رژیم دولت دیگر به وسیله ابزار های دیپلماتیک یا اقتصادی نیز می باشد. به هر حال در قالب دیپلماسی بازدارنده نوین، جنگ های بازدارنده یکی از ابزار های رایج محسوب می شود که خود دارای گونه های زیر می باشد:

۱- جنگ محدود؛

۲- جنگ های گسترده و تمام عیار؛ (رجوع شود به قاسمی ۱۳۸۷ ب فصل ۳)؛

۳- جنگ های نوین مبتنی بر استراتژی های غیر مستقیم (segell, 2004, pp345-354)؛

۴- چند جانبه گرایی با واحد های هم سو که می تواند منزوی کننده واحد مخالف باشد؛

۵- جماعت سازی و شکل دادن به ائتلاف برتر به جای توازن بخشی و توازن سازی،

۶- کنسرت قدرت های بزرگ و هژمون: (Morgan, 2003 , pp:58-74)؛

با شکل گیری الگوهای مداخله گری توسط هژمون، تهدیدات امنیتی منطقه ای علیه واحد

های ناراضی شکل می گیرد. مهم ترین تهدیدات مذکور عبارتند از:

۱. تجزیه برخی از کشورهای منطقه و شکل گیری کشورهای جدید و پیامد های سرایتی آن. در

این الگو کشور هدف یا اشغال شده ممکن است به واحدهای کوچکتر تجزیه شود. این تجزیه می

تواند پیامدهای سرایتی برای سایر کشورهای همجوار در پی داشته باشد و از این طریق تهدیدات

امنیتی را علیه واحد یا واحد های مذکور موجب شود که ممکن است این واحدها نیز در زمره

چالشگران منطقه ای هژمون باشند؛

۲. تشدید تعارضات قومی، مذهبی در منطقه و برخی از کشورهای منطقه. از جمله استراتژی هژمون بهره گیری از استراتژی موازنه نرم و غیر مستقیم خواهد بود که در این میان امکان بهره گیری از عناصر ژئوپلیتیکی منطقه از جمله ژئوپلیتیک جمعیت و قومیت ها و دستکاری آنها می باشد،

۳. شکل دادن به کنسرت منطقه ای علیه واحد های ناراضی. کنسرت منطقه ای متشکل از قدرت های بزرگ منطقه ای ممکن است با محوریت هژمون شکل گیرد و از این طریق عملاً موجب محدودیت مانور چالشگر خواهد بود و می تواند با به هم زدن موازنه محلی جنگی جدید را سبب شود.

۴. تقویت سیستم بازدارندگی علیه چالشگران. این نوع سیستم ها می توانند با پاسخ منعطف و تلافی گسترده همراه باشد که در صورت همراه شدن با پاسخ گسترده عملاً موجودیت قدرت ناراضی منطقه ای هدف قرار می گیرد.

۵. شکل گیری اتحاد علیه چالشگر منطقه ای به صورت نیابتی یا با حضور مستقیم مداخله گر. این نوع اتحاد ها معمولاً شکل گیری و تعدد نقاط عطف سیستم منطقه ای را در پی خواهد داشت که نتیجه آن نا امنی و تهدیدات امنیتی علیه برخی از واحد های منطقه ای است. از سوی دیگر واحد های منطقه ای از جمله واحد های ناراضی اقدام به کنش های استراتژیک زیر جهت کاهش تاثیرات امنیتی قدرت مداخله گر علیه خود می نمایند که در دو گروه زیر قابل دسته بندی می باشد:

۱. پاسخ های مبتنی بر تقابل:

- شبکه سازی از طریق پیوندی، ساختی و ارتباطی

- توسط واحد منطقه ای در مقابل مداخله گر

- اتحاد های موازنه بخش در مقابل مداخله گر

- جنگ

۲. رفتار مبتنی بر همکاری از جمله:

- همراهی و همنازی

- همکاری و هماهنگ سازی

به طور کلی مدل تحلیلی امنیتی حضور مداخله گر در امور منطقه ای را می توان به صورت زیر

ترسیم کرد:

شکل ۱: مدل تحلیلی امنیت در وضعیت مداخله منطقه ای هژمون

چرخه قدرت در سیستم بین الملل: حضور هژمون در منطقه



امنیت منطقه ای آسیب پذیری های منطقه ای بر اساس:



مدل ژئوپلیتیکی	امنیت منطقه ای	مدل ژئواکونومیکی	امنیت	مدل ژئوکالچری	امنیت مدل
ساختاری	امنیت منطقه ای				
ژئوپلیتیک مرزها	ژئوپلیتیک منابع	نقشه فرهنگی	خاورمیانه قطب بندی منطقه ای		



میزان انسجام یا عدم انسجام منطقه ای: باز یا بسته بودن منطقه

مداخله گرایی



استراتژی های مداخله گر



۱- جنگ محدود؛ ۲- جنگ های گسترده و تمام عیار ۳- جنگ های نوین مبتنی بر استراتژی های غیر مستقیم ۴- چند جانبه گرایی با واحد های همسو، ۵- جماعت سازی و شکل دادن به ائتلاف برتر به جای توازن بخشی و توازن سازی، ۶- کنسرت قدرت های بزرگ و مداخله ۷- پایگاه سازی منطقه ای



پیامدهای امنیتی برای واحدهای منطقه ای ناراضی



۱. تجزیه برخی از کشورهای منطقه و شکل گیری کشورهای جدید و پیامدهای سرایتی آن
۲. تشدید تعارضات قومی، مذهبی در منطقه و برخی از کشورهای منطقه
۳. شکل دادن به کنسرت منطقه ای علیه واحد های ناراضی
۴. تقویت سیستم بازدارندگی علیه چالشگران
۵. شکل گیری اتحاد علیه چالشگر منطقه ای به صورت نیابتی یا با حضور مستقیم مداخله گر
۶. تقویت نهادهای منطقه ای از طیف مشارکت دادن قدرت مورد مداخله در آن علیه سایر چالشگران

پاسخ های استراتژیک از ناحیه چالشگر منطقه ای



- | | |
|----------------------|-------------------------------------------|
| رفتارهای مبتنی بر: | پاسخ های مبتنی بر تقابل: |
| همراهی و همنازی | شبکه سازی از طریق پیوندی، ساختی و ارتباطی |
| همکاری و هماهنگ سازی | توسط واحد منطقه ای در مقابل مداخله گر |
| | -اتحاد های موازنه بخش در مقابل مداخله گر |
| | جنگ |

روش پژوهش و گرده آوری داده ها

در این مقاله برای مطالعه پیامدهای امنیتی مداخله گرایی آمریکا در عراق و استراتژی ایران در مقابل مداخله گرایی آمریکا در این کشور از روش دلفی (Delphi Method) استفاده شده است. روش دلفی روشی بسیار مفید به خصوص در حوزه مطالعات آینده پژوهی است. محتوای مطالعات دلفی همیشه اموری است که در باره آن دانش غیر قطعی و نسبتاً ناقصی وجود دارد. دلفی یک فرآیند قضاوت در باره ی امور غیر قطعی است. افراد درگیر در مطالعات دلفی صرفاً تخمین زده و برآوردهای خود را بیان می دارند. متخصصان بر اساس دانش و تجربه اشان در دلفی درگیر و در طی دوره های اجرای دلفی، از فرصت جمع آوری اطلاعات جدید برخوردار می شوند. تلاش دلفی بر استفاده از خود-تحقیقی و خود تخریبی پیش گویی های متخصصان در

راستای شکل دادن و یا حتی خلق آینده است. از دلفی هنگامی استفاده می شود که موضوعات بلند مدت باید ارزیابی شوند. برای موقعیت هایی که دلیل عمدتاً سیاسی برای درگیر کردن بسیاری از اشخاص در فرآیند وجود دارد، دلفی روشی مناسب است.

این فن طی چند دور انجام می شود و نظرات ارائه شده توسط متخصصان در هر دور بر اساس نتایج دور قبلی مورد اصلاح و بازنگری قرار می گیرد. کارکرد این تکنیک تولید یک دیدگاه اجماعی در مورد نوع رخدادها و تحولات آینده و راهکارهای مقابله با آن است.

دلفی یک پیمایش از آرای متخصصان در دو یا چند دور است. از دور دوم به بعد، بازخوردهایی در باره نتایج دور قبلی به مشارکت کنندگان داده می شود. همان متخصصان، همان موضوعات رایج باریگر تحت تاثیر نظر سایر متخصصان ارزیابی می کنند. مراحل انجام کار به صورت زیر است:

۱- تهیه پرسشنامه و توزیع آن بین خبرگان از پیش مشخص شده

۲- جمع آوری پاسخ ها و تحلیل و دسته بندی آنها

۳- تهیه پرسشنامه های جدید بر اساس پاسخ های داده شده و توزیع آنها برای بار دوم بین همان نخبگان قبلی و اطلاع نخبگان از پاسخ های یکدیگر و احتمالاً تغییر و اصلاح نظر خود

۴- تکرار مرحله فوق تا آنجا که بین نخبگان در مورد موضوع وفاق حاصل گردد.

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است، زیرا نتایج آن برای انجام برنامه ریزی در امر سیاست خارجی موثر خواهد بود. روش اجرای تحقیق به لحاظ ماهیت آن از نوع اکتشافی-تحلیلی است. در این تحقیق، روش های به کار گرفته شده جهت جمع آوری اطلاعات و داده ها شامل: روش های کتابخانه ای و میدانی بوده است. در روش کتابخانه ای، با مراجعه به کتب و مقالات فارسی و لاتین، بخشی از اطلاعات لازم در باره سیاست های خارجی ایران در مقابل ایالات متحده در منطقه جمع آوری گردید و این اطلاعات به صورت گزینه هایی درآمد. در روش میدانی با استفاده از روش دلفی، این گزینه ها به استادان و کارشناسان سیاست خارجی عرضه شد و از آنها خواسته شد نظرات خود را بر اساس مقیاس زیر نمره گذاری کنند. این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ساخته شده است. از طیف لیکرت برای نگرش سنجی استفاده می شود و مقیاسی است که در آن از آزمودنی ها خواسته می شود پاسخ یا ارزیابی خود نسبت به یک عقیده، رفتار، باور و غیره را بر اساس ملاک های عینی یا ذهنی در یک دامنه ی پاسخی بین موافقت و عدم موافقت ابراز دارند. در این مقیاس اغلب از سطوح پنج مقوله ای- کاملاً موافق، موافق، بی نظر، مخالف و

کاملاً مخالف- استفاده می شود، اما بسیاری از پژوهشگران از سطوح هفت و نه مقوله ای نیز استفاده می کنند. برای ساخت مقیاس لیکرت، یک مجموعه گویه ها یا پرسش های مورد نظر که برای سنجش مفهوم مورد نظر مناسب در نظر گرفته می شوند به گونه ای تهیه و طراحی می گردند که پاسخگو بتواند میزان موافقت یا مخالفت خود با آنها را بیان دارد. در طراحی این گویه ها، باید از به کار بردن گویه های افراطی که همه با آن موافق یا مخالف هستند اجتناب کرد، چون هدف از مقیاس سازی تفکیک مردم بر حسب درجات پیوستار در زمینه مورد نظر است.

ردیف	گزاره	کاملاً موافقم	موافقم	بی تفاوت	مخالف	کاملاً مخالفم
۱	حضور آمریکا در عراق در راستای حفظ چرخه جهانی قدرت به نفع خود و تبدیل عراق به پایگاهی جهت کنترل قدرتهای منطقه ای از جمله ایران می باشد.					
۲	حضور آمریکا در عراق باعث تجزیه این کشور و شکل گیری دولت مستقل کردستان، سنی و جنوب (شبهه) می شود.					
۳	حضور آمریکا در عراق تشدید تعارضات قومی در ایران را به دنبال دارد.					
۴	آمریکا از عراق به عنوان پایگاهی جهت کنترل ایران استفاده خواهد کرد.					
۵	آمریکا عراق را به جمع کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ملحق نموده و از آن در جهت شکل دادن به اتحاد و ائتلاف منطقه ای علیه ایران استفاده می کند.					
۶	آمریکا از عراق و عربستان برای شکل دادن به نظم مطلوب مورد نظر خود در منطقه خلیج فارس استفاده خواهد کرد.					
۷ (در صورتی که سیاست های دیگری را می شناسید نام برده ، نمره دهید)					

برای تهیه این ماتریس گام هایی به شرح زیر برداشته شد:

گام اول. پس از شناسایی عوامل محیطی، عوامل تهدید کننده و فرصت های پیش رو، با استفاده از نقطه نظرات خبرگان فهرست شد. بر این اساس عوامل تهدید کننده امنیت ملی ایران در اثر مداخله گرایی آمریکا عبارت بودند از:

۱- تبدیل عراق به پایگاهی جهت کنترل قدرت های منطقه ای، ۲- تجزیه عراق به سه کشور کرد، سنی و شیعه، ۳- تشدید تعارضات قومی در ایران، ۴- تشکیل ائتلاف منطقه ای علیه ایران ۵- شکل دادن نظم مورد علاقه آمریکا در منطقه، ۶- تشکیل کنسرت منطقه ای علیه ایران، ۷- شکل دادن به سیستم بازدارندگی یک جانبه منطقه ای و.....

همچنین فرصت های پیش روی ایران نیز به شرح زیر مشخص شدند:

۱- نزدیک شدن ایران و عراق در اثر الزامات جغرافیایی و ژئوپلتیکی، ۲- پیوند ایران و شیعیان عراق، ۳- تقویت همکاری ایران و ترکیه، ۴- خنثی سازی سیاست آمریکا از طریق گسترش منطقه خلیج فارس به هند، پاکستان، آسیای میانه و قفقاز، ۵- گسترش منطقه و پیوند با شانگهای، ۶- بهره گیری ایران از استراتژی نظامی منطقه ای، ۷- نزدیکی ایران و روسیه ۸- ائتلاف ایران با کشور های پیرامونی، ۹- همکاری ایران و آمریکا در منطقه در راستای اهداف مشترک.

گام دوم. به هر عامل یک عدد بین ۱ تا ۵ اختصاص داده شد.

گام سوم. محاسبه جمع امتیازات هر متغیر.

سپس بر اساس روش دلفی این پرسشنامه ها بین ده نفر از استادان دانشگاهی متخصص در حوزه سیاست خارجی به عنوان جامعه آماری توزیع شد. اساتید مذکور در گرایش های نظری روابط بین الملل و سیاست خارجی تدریس نموده و صاحب اثر در این حوزه ها می باشند. البته توزیع پرسشنامه بین استراتژیست های سیاست خارجی به علت در دسترس نبودن ممکن نشد. پاسخ های داده شده در بار اول به اطلاع همه تکمیل کنندگان پرسشنامه رسید. بدین ترتیب صاحب نظران و کارشناسان از پاسخ های یکدیگر مطلع شده، تلاش کردند تا در دومین دور پاسخگویی پاسخ های خود را تصحیح نمایند. بر اساس پاسخ های بار دوم، سؤالات جدیدی طرح و این بار با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق با صاحب نظران، نوعی توافق میان پاسخ های آنان به عمل آمد که به صورت نتایج تحقیق ارائه شده است. به این ترتیب نتایج تحقیق ماحصل توافق برخی از استادان حوزه سیاست خارجی در مورد موضوع مورد سوال است.

یافته های پژوهش

بر اساس پرسشنامه های مراحل اول و دوم، جداول فراوانی زیر به دست آمد. در مرحله اول پاسخ ها با هم همگون نبود اما پس از نشان دادن پاسخ های مرحله اول شرکت کنندگان به یکدیگر و توضیح استدلال های آنها برای هم، اجماع نسبی در مورد برخی پرسش ها حاصل شد، که نتیجه تغییرات حاصله را می توان در جداول زیر مشاهده کرد:

جدول فراوانی پاسخ ها در مرحله اول به درصد

پرسش	کاملا موافقم	موافقم	بی تفاوت	مخالقم	کاملا مخالفم
۱	۶۰	۳۰	۵	۳	۲
۲	۲۰	۱۰	۵	۵۵	۱۰
۳	۵۷	۱۲	۱۱	۱۳	۷
۴	۶۳	۱۲	۱۰	۱۰	۵
۵	۲۵	۱۵	۱۰	۲۵	۲۵
۶	۳۲	۲۵	۱۳	۱۵	۱۵
۷	۳۰	۲۷	۱۳	۲۵	۵
۸	۶۵	۱۵	۸	۷	۵
۹	۷۰	۲۰	۱۰	-	-
۱۰	۶۳	۱۸	۱۵	۴	-
۱۱	۷۵	۱۵	۱۰	-	-
۱۲	۵۵	۲۵	۱۵	۵	-
۱۳	۷۰	۲۵	۵	-	-
۱۴	۳۵	۵۵	۱۰	-	-
۱۵	۷۶	۱۳	۱۱	-	-
۱۶	۱۰	۵	۲۵	۳۵	۱۵
۱۷	۶۳	۲۵	۱۲	۳	۲
۱۸	۵۵	۲۵	۱۰	۱۰	-
۱۹	۳۰	۲۰	۱۵	۱۵	۲۰
۲۰	۴۵	۳۰	۱۵	۵	۵
۲۱	۳۳	۳۵	۱۲	۱۰	۱۰

جدول فراوانی پاسخ ها در مرحله دوم به درصد

پریش	کاملا موافقم	موافقم	بی تفاوت	مخالقم	کاملا مخالفم
۱	۷۵	۲۰	۵	-	-
۲	۳۰	۴۰	۵	۱۵	۱۰
۳	۷۰	۱۰	۱۳	۵	۲
۴	۷۰	۲۰	۱۰	-	-
۵	۵۰	۲۰	۱	۲۰	-
۶	۶۷	۱۵	۱۳	۲	۲
۷	۵۰	۲۵	۵	۱۵	۵
۸	۷۵	۱۴	۱۱	-	-
۹	۷۵	۱۵	۱۰	-	-
۱۰	۸۰	۲۰	-	-	-
۱۱	۸۵	۱۰	۵	-	-
۱۲	۵۰	۱۵	۵	۲۰	۱۰
۱۳	۶۵	۲۰	-	۱۰	۵
۱۴	۶۰	۱۵	-	۲۰	۵
۱۵	۸۷	۱۱	-	۲	-
۱۶	۱۰	۱۰	-	۵۰	۲۰
۱۷	۵۰	۲۵	-	۱۵	۱۰
۱۸	۵۵	۲۰	-	۲۰	۵
۱۹	۷۰	۲۰	-	۵	۵
۲۰	۷۰	۲۰	-	۱۰	-
۲۱	۹۰	۵	-	۵	-

بر اساس جدول مرحله دوم و تغییرات آن نسبت به مرحله اول از پاسخ ها یافته های متعددی قابل بیان و مفهوم سازی است. نکته قابل ذکر اینکه پژوهش سعی دارد تا پاسخ ها را در قالب مفاهیم روابط بین الملل مفهوم سازی نموده و از آنها برای مدل سازی نظری استفاده نماید. به همین جهت ممکن است چندین سوال و پاسخ های مرتبط با آن در یک مفهوم بیان شده باشند:

الف: یافته های پژوهش در باره تهدیدات امنیتی ناشی از مداخله گرایی در عراق علیه ایران

با به کارگیری روش دلفی مهمترین یافته های پژوهش به ترتیب احتمال وقوع آنها از نظر جامعه آماری به شرح ذیل خواهند بود:

یافته ۱: کارگزاران تهدیدات

بر اساس یافته های پژوهش و بر اساس دیدگاه جامعه آماری، آمریکا به عنوان هژمون سیستم بین الملل مطرح است و حفظ چرخه جهانی قدرت به عنوان یکی از دلمشغولی های اصلی آن مطرح می باشد (پرسش ۱). آمریکا ایران را به عنوان یکی از مهم ترین تهدید منطقه ای و چالشگر اصلی سیاست ها خود در منطقه تصور می نماید. این در حالی است که ایران نیز آمریکا را به عنوان تهدید اصلی خود در منطقه و سیستم بین الملل تصور می کند. به این سبب به دلیل حاکمیت سیستم مدیریت هژمونیک بعد از جنگ سرد، عملا کنش های استراتژیک در سطح منطقه ای و جهانی بین این دو کشور برقرار می شود. این در حالی است که ویژگی های سیستم منطقه ای ایران یعنی خاورمیانه و ناکارآمدی در مدل های بومی مدیریت امنیت منطقه ای و باز بودن آن، عملا مداخله گرایی آمریکا در منطقه شدت یافته و به دلیل تصور ایران به عنوان چالشگر و تصور ایران از آن به عنوان تهدید، مدل ادراکی خود تقویت کننده ای شکل می گیرد که پیامد های امنیتی چنین مداخله ای متوجه امنیت ملی ایران خواهد شد (پرسش ۹).

یافته ۲: تشدید تعارضات قومی و مذهبی در ایران از طریق حضور آمریکا در عراق

یافته دوم مربوط به تشدید تعارضات قومی و مذهبی در ایران می باشد. در جامعه آماری باور براین می باشد که حضور آمریکا در عراق تعارضات قومی و مذهبی را در ایران ایجاد و تشدید خواهد کرد. با توجه به به ژئوپلیتیک قومیت ها و مذاهب در ایران، یکی از مهمترین استراتژی های غیر مستقیم آمریکا علیه ایران ایجاد و تشدید تعارضات قومی در این کشور می باشد. این موضوع می تواند مانعی برای استفاده ایران از پتانسیل های قومی، مذهبی عراق علیه آمریکا باشد و از جمله تکنیک های موازنه قوای نرم در منطقه به شمار می آید. با تضعیف عراق در نتیجه حمله آمریکا سایر قدرت های منطقه ای از جمله قدرت همسایه آن نیز بایستی تضعیف شوند تا حداقلی از تعادل استراتژیک منطقه ای حفظ شود یکی از مطمئن ترین راه ها در گیر ساختن رقیب در

تعارضات قومی و مذهبی است که ژئوپلیتیک جمعیت، قومیت ها و گروه های مذهبی نیز چنین امکانی را در اختیار آن قرار خواهد داد (پرسش ۳).

یافته ۳: تبدیل عراق به عنوان پایگاه منطقه ای جهت کنترل قدرت های منطقه ای از جمله ایران در قالب سیستم بازدارندگی یک جانبه

یافته سوم کاربست روش دلفی و به ویژه مصاحبه عمیق صورت گرفته از جامعه آماری این است که با حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور، پایگاهی جهت طراحی و اعمال سیستم بازدارندگی گسترده و یک جانبه منطقه ای شکل می گیرد. بر اساس اجماع نسبی حاصله، یکی از اقدامات استراتژیک هژمون پایگاه سازی منطقه ای و جهانی است که به منظور اعمال استراتژی های خود از آن بهره می برد. عراق پایگاهی برای کنترل چالشگران آینده مانند ایران، روسیه و هر کشوری است که نظم مورد نظر آمریکا در صحنه استراتژیک پیرامونی عراق نادیده بگیرد. از این منظر ایران در معرض مستقیم استراتژی های بازدارندگی یک جانبه از جمله استراتژی تلافی گسترده و جنگ های تمام عیار یا محدود می باشد (پرسش ۴، پرسش ۸). با وجود دخالت آمریکا در عراق و اشغال آن برای مدیریت نظم منطقه همچنان مجبور به همکاری با ایران خواهد بود (پرسش ۱۷ و ۱۸).

یافته ۴: تجزیه عراق و سرایت پیامد های امنیتی آن به ایران

چهارمین یافته ناشی از روش دلفی در مورد پیامد های امنیتی مداخله گرایی آمریکا در عراق تجزیه عراق و سرایت پیامد های امنیتی این موضوع به ایران است. در مورد تجزیه عراق دو موضوع مطرح می باشد. بخش اول موضوع تجزیه عراق به سه کشور مستقل کردستان در شمال، کشور سنی در مرکز و شیعه در جنوب است. تجزیه عراق موازنه قوای منطقه ای از جمله موازنه بین ایران و عراق را در حوزه خلیج فارس ناکارآمدتر خواهد ساخت. بر اساس اصول نظریه موازنه قوا جنگ تا مرحله ای مجاز است که منجر به کنترل و مدیریت واحد مورد نظر شود و به هیچ عنوان نبایستی باعث حذف بازیگر اصلی شود. حذف هر کدام از بازیگران اصلی به معنای ناکارآمد ساختن چنین سیستمی است. از سوی دیگر شکل دادن به کشور کردستان موجب پاسخ شدید کشورهای منطقه ای از جمله ایران، سوریه و ترکیه می شود و از این طریق منجر به نوعی اتحاد منطقه ای علیه چنین اقدامی است و به نظر می رسد وضعیت استراتژیک منطقه آمریکا

خواهان چنین موضوعی نیست. سوم اینکه شکل گیری کشور شیعی در جنوب سبب تقویت ایران خواهد شد و بنابر این عملاً برخلاف منافع استراتژیک آمریکا در خلیج فارس خواهد بود. بخش دوم مربوط به این موضوع است که تجزیه عراق می تواند سبب شکل گیری کشورهای ضعیف و کوچکی شود که عملاً وابستگی امنیتی آنها را به هژمون آمریکا در پی داشته باشد و مداخله گر از اقدامات استراتژیک یکی از کشورهای بزرگ منطقه ای رهایی یابد. به این سبب از دید جامعه آماری دلیل تجزیه عراق همچنان در محاسبات استراتژیک آمریکا حاضر است. لذا ایران در آینده با پیامدهای تجزیه این کشور روبروست؛ اما این تجزیه وضعیت امنیت ملی ایران را مستقیماً تهدید خواهد کرد. تجزیه عراق و تبدیل آن به کشور های کوچک تر مستلزم تجزیه و تضعیف رقبای آن از جمله ایران نیز می باشد تا از این طریق نقطه تعادلی سیستم منطقه ای را بر سطح پایین تر که مدیریت آسان تری را در پی دارد، تغییر یابد (پرسش ۲).

یافته ۵: همسو نمودن عراق با برخی از کشورهای منطقه و شکل دادن به سیستم های کنترلی مانند اتحاد و ائتلاف ها و کنسرت منطقه ای به منظور منزوی ساختن ایران

از دید جامعه آماری مداخله گرایی آمریکا در عراق، شکل گیری سیستم های اتحاد و ائتلاف و کنسرت منطقه ای با محوریت آمریکا علیه ایران را در پی دارد و از جمله سیاست های محدود سازی و انزوا سازی هژمون علیه ایران می باشد. بنابر این تهدید انزوا سازی و محدود سازی ایران در آینده جدی تصور می گردد (پرسش ۵، پرسش ۶، پرسش ۷).

ب: یافته های مربوط به اقدام استراتژیک ایران در برابر تهدیدات ناشی از حضور آمریکا در عراق

یافته ۱: شبکه سازی و همکاری های منطقه ای

بخش دیگری از موضوع مربوط به پاسخی است که ایران در برابر آمریکا از خود می بایستی نشان دهد. در اینجا حضور آمریکا در عراق سبب افزایش تمایل ایران به استفاده از استراتژی نظامی در امور منطقه ای خواهد شد (پرسش ۱۹) و تا حدودی می تواند سبب نزدیکی ایران با روسیه شود و در این حوزه، همکاری های منطقه ای در حوزه های موضوعی گوناگون از طرف ایران، مورد تاکید جامعه آماری بوده است (پرسش ۱۹ و ۲۰) که می توان در استراتژی شبکه سازی منطقه ای آن را مفهوم سازی کرد. از منظر جامعه آماری شبکه سازی ایران به منظور

کنترل تهدیدات و در قالب موازنه بخشی نرم به سه صورت زیر مفهوم سازی می گردد که عبارتند از:

- ۱- توسعه شبکه منطقه ای خود و گسترش آن به حوزه های جدید مانند پیوند خلیج فارس با آسیای میانه و قفقاز، جنوب غربی آسیا (هند و پاکستان)، حوزه شانگ های و...
- ۲- روش چگالی ارتباطی مانند توسعه ارتباطات درون شبکه ای از جمله توسعه حمل و نقل منطقه ای، گاز، سرمایه گذاری مشترک و...
- ۳- بهره مندی از توان بالقوه اکو در موازنه نرم ج.ا. ایران در برابر تهدیدات احتمالی آمریکا (پرسش ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۲۱).

یافته ۲: توسعه همکاری منطقه ای و چندجانبه گرایی با مشارکت عراق

یکی دیگر از پاسخ های استراتژیک، بهره گیری از الزامات ژئوپلیتیکی بین ایران، عراق و کشورهای منطقه به ویژه حوزه اکو برای گسترش همکاری های چند جانبه ای منطقه ای و کاهش اثرات استراتژیک حضور آمریکا در صحنه عراق می باشد (پرسش ۱۰ و ۱۴).

نتیجه گیری و ارائه مدل سیاستگذاری امنیت ملی ایران

بر اساس یافته های فوق می توان مدل سیاستگذاری امنیتی ایران بر اساس حضور آمریکا در عراق را به صورت نمودار زیر بیان کرد. بر اساس مبانی نظری و کاربست روش دلفی در مطالعه تهدیدات و پاسخ های استراتژیک ایران تعاملات موجود در مدل سیاستگذاری امنیتی ایران را می توان به صورت (شکل ۲) ترسیم نمود. در این مدل گام اول و مسئله اصلی سیاستگذاری موجود در آن، بر اساس تهدیدات استراتژیک حضور آمریکا در منطقه و مداخله گرایی آن در عراق شکل می گیرد. حوزه منطقه ای پیشگفته یکی از مهمترین حوزه های استراتژیک ج.ا. ایران محسوب می شود.

گام دوم در مدل سیاستگذاری، مسئله و ویژگی های آن است. مداخله مذکور سبب امنیتی شدن مسئله برای ایران، تعارضی بودن آن به دلیل نوع روابط بین دو کشور، نابرابری استراتژیک و بازی های استراتژیک این مسئله به دلیل قدرت مادی و فیزیکی دو کشور و بلند مدت بودن این مسئله است. حضور آمریکا در عراق، امری بلند مدت و در چارچوب منافع استراتژیک این کشور در چرخه جهانی قدرت صورت می گیرد. بنابر این به دلیل وجود چنین چرخه های بلند مدتی در

سیستم جهانی، این حضور نیز پایدار خواهد بود و ایران در درازمدت با این موضوع روبرو می‌باشد.

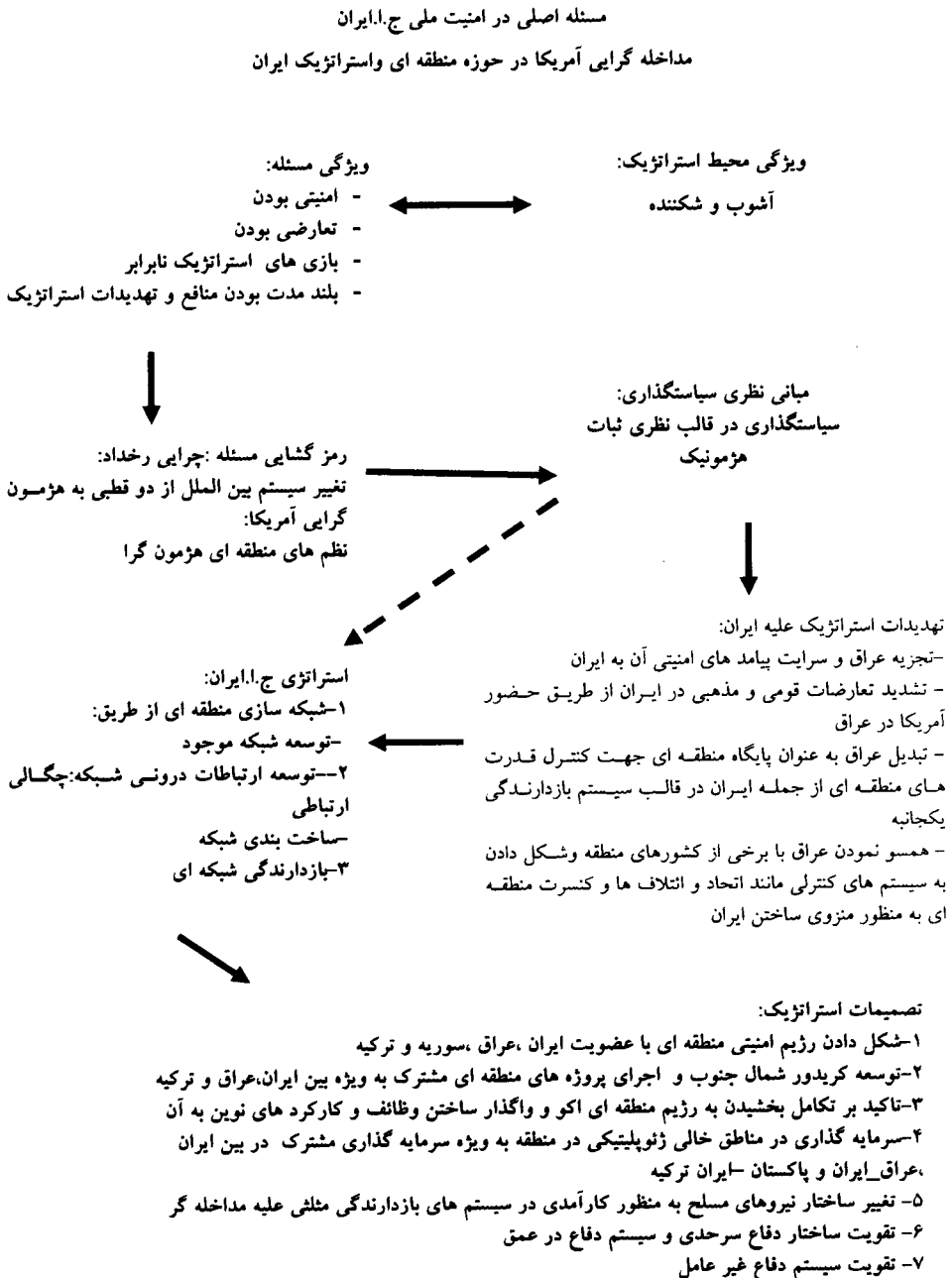
گام سوم چرایی رخداد چنین مسئله‌ای است که به تحولات سیستمی جهان و تغییر نظم دو قطبی به نظم هژمونیک با قواعد خاص خود مرتبط است.

تشخیص محیط استراتژیک مسئله دیگر بعد مدل سیاستگذاری امنیتی ایران خواهد بود. در اینجا محیط استراتژیک منطقه‌ای به دلیل ناکارآمدی مدل‌های امنیتی بومی و سایر ضعف‌های ساختی از نوع آشوب‌زده و محیط سیستمی نیز بی‌ثبات می‌باشد.

با توجه به ابعاد پیش‌گفته از بعد نظری، سیاستگذاری ایران بر پایه سیستم هژمونیک و نظریه ثبات هژمونیک صورت می‌گیرد و قواعد رفتاری چنین سیستم‌هایی بر آن مترتب خواهد بود. به این دلیل تهدیدات ناشی از مداخله‌گرایی چنین سیستمی بر ایران تحمیل خواهد شد. برای پاسخ به چنین تهدیداتی به دلیل ناکارآمدی سیستم‌های موازنه سخت‌بایستی از سیستم موازنه نرم استفاده نمود که شبکه‌سازی و بازدارندگی مثلثی موجود در آن از جمله راه‌کارهای کارآمد محسوب می‌شوند. سرانجام تبدیل سیاست‌ها و استراتژی‌های پیشنهادی به تصمیمات استراتژیک خواهد بود که جنبه الزام‌آور داشته و بایستی به اقدام استراتژیک منجر شوند که مهم‌ترین آن عبارتند از:

- ۱- شکل دادن رژیم امنیتی منطقه‌ای با عضویت ایران، عراق، سوریه و ترکیه؛
- ۲- توسعه کریدور شمال‌جنوب و اجرای پروژه‌های منطقه‌ای مشترک به ویژه بین ایران، عراق و ترکیه؛
- ۳- تأکید بر تکامل بخشیدن به رژیم منطقه‌ای اکو و واگذار ساختن وظائف و کارکرد‌های نوین به آن؛
- ۴- سرمایه‌گذاری در مناطق خالی ژئوپلیتیکی در منطقه به ویژه سرمایه‌گذاری مشترک در میان ایران، عراق، ایران و پاکستان، ایران - ترکیه؛
- ۵- تغییر ساختار نیروهای مسلح به منظور کارآمدی در سیستم‌های بازدارندگی مثلثی علیه مداخله‌گر؛
- ۶- تقویت ساختار دفاع سرحدی و سیستم دفاع در عمق؛
- ۷- تقویت سیستم دفاع غیرعامل کشور.

شکل ۲: عناصر تحلیلی مدل سیاستگذاری امنیت ملی ایران در وضعیت مداخله گرایی آمریکا در عراق



فهرست منابع

- آیتی، علیرضا. (تابستان ۱۳۸۳). "آینده عراق: طرح ژئوپلیتیک جدید منطقه ای و راهبرد های نوین آمریکا". فصلنامه سیاست خارجی، سال هجدهم، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر. (پاییز ۱۳۸۳). "اقدام به جنگ، تحلیل الگوی تصمیم سازی خارجی آمریکا برای حمله به عراق". فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
- امینیان، بهادر. (۱۳۸۳). "آمریکا و طرح خاور میانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات". فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۳.
- بزرگمهری، مجید. (تابستان ۱۳۸۳). "آمریکا و نظام امنیتی خلیج فارس پس از اشغال عراق". مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان. سال شانزدهم، شماره ۲.
- توفیق ابراهیم، حسنین و همدانی، عبدالرضا. (۱۳۸۱). "سیاست های آمریکا در قبال عراق پس از ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش". فصلنامه مطالعات خاور میانه، سال نهم، شماره ۳.
- ثریا، جمشید. (آذر و دی ۱۳۸۴). "آمریکا، تروریسم، و بنیادگرایی". اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره پیاپی ۲۱۹-۲۲۰.
- سریع القلم، محمود. (زمستان ۱۳۸۱). "عراق جدید، خاورمیانه جدید: پیامد های نظری برای ایران". فصلنامه مطالعات خاور میانه، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱.
- سیف زاده، سید حسین. (بهار ۱۳۸۳). "سیاست های خاور میانه ای آمریکا در مقابل چالش های ضد همزونیک". فصلنامه مطالعات خاور میانه، سال یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳.
- حاجی یوسفی. (زمستان ۱۳۸۳). "جایگاه عراق در طرح خاورمیانه بزرگ". فصلنامه سیاست خارجی، سال هجدهم، شماره ۴.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۴): اصول روابط بین الملل، تهران، نشر میزان.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۴): رژیم های بین المللی، تهران، نشر میزان.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۷): دیپلماسی و روابط بین الملل، تهران، نشر میزان.
- یزدانی، عنایت الله و توپسرکانی، مجتبی. (خرداد و تیر ۱۳۸۵). "دگرگونیهای سیاسی عراق و روابط ایران و آمریکا". اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۲۲۵ و ۲۲۶.

– لاتین

- harkavy, Robert .e(1999), "long cycle theory and hegemonic powers bssing networks", **political geography**, 18.
- Hebron, lui and Patrick jams.(1997): "great power, cycles of relative capability and crisis in world politics" **international interaction**, vol.23, No.2.
- Hebron,lui and Michael Rudy(2007): "testing dynamic theories of conflict: power cycles, power transition, foreign policy crises and militarized interstate disputes," **international interactions**.
- Houwelling, henk w. & jan g,siccima(1991): "power transitions & critical points as predictors of great power war" **journal of conflict resolution**,vol.35.
- Kegley,jr .charles w and Gregory a. Raymond (2003): "preventive war and permissive normative order ", **international studies perspective**.
- Morgan,patrik.m.:(December 2003): "national and international security, theory then, theory now", **Asian journal of political science**, vol.11, No.2.
- segell ,glen:(December 2004): "counter –proliferating the rogue states", **defense and security analysis**, vol. 20,No.4.
- Steiner,h.barry,(2001): "preventive diplomacy in the endgame", **global society**, vol.15, No.2.
- Thompson William r. "(2006): "systemic leadership, evolutionary processes & international relations theory: the unipolarity question," **international studies review**.